خاطره

عبدالمحمود محمودی در جبهه‌های دفاع مقدس

خاطره‌ای از برگزاری مراسم عزاداری محرم در فضای جبهه‌ها

در عرض ۱۵ دقیقه از فرش به عرش اوج گرفتیم!

غلامحسین بهبودی

متن زیر خاطره عبدالمحمود محمودی از برگزاری مراسم عزاداری محرم در خط مقدم جبهه‌های دفاع مقدس است که از زبان ایشان می‌خوانید.

دهه آخر مرداد ۱۳۶۷ مصادف شده بود با ایام عزاداری ماه محرم. آن روزها آتش بس هنوز به شکل رسمی در جبهه‌ها برقرار نشده بود و نیروهای سازمان ملل موسوم به یونیفل در خط مرزی مستقر نشده بودند. به همین دلیل هنوز امکان داشت آتش جنگ شعله‌ور شود و دوباره از سوی دو طرف تبادل آتش صورت گیرد.

در چنین شرایطی ما در خرمشهر و مرز شلمچه خط داشتیم. بچه‌هایی که در خط مقدم بودند نمی‌توانستند به صورت گروهی عزاداری کنند. آنجا سنگرهای اجتماعی ما نهایتاً گنجایش چهار یا پنج نفر را داشتند و تجمع بیش از این تعداد ممنوع بود. به ایام محرم که رسیدیم، دستور رسید هر کس که می‌خواهد عزاداری کند باید در همان سنگر خودش همراه هم‌سنگرانش مراسم بگیرد. من شاهد بودم که بچه‌ها حتی شده به صورت انفرادی سینه‌زنی می‌کردند. مثلاً مداحی داشتیم که خودش برای خودش می‌خواند و سینه می‌زد. یا دیگر بچه‌ها دو نفره یا سه نفره در سنگرها مراسم می‌گرفتند.

البته در عقبه گردان که خرمشهر بود امکان برگزاری مراسم به صورت گروهی وجود داشت و اعلام شده بود که هر روز یک دسته می‌تواند به صورت نوبتی به خرمشهر برود و آنجا عزاداری کند اما یک دسته که از نوبتش استفاده می‌کرد، چند روز طول می‌کشید تا مجدداً نوبت به آن برسد و نیروهایش بتوانند به خرمشهر بروند.

وقتی به شامگاه تاسوعای حسینی رسیدیم، آخرین فرصت برای برگزاری مراسم عزاداری روز عاشورا را در اختیار داشتیم. چون در روشنایی روز به هیچ عنوان نمی‌شد گروهی عزاداری کرد بچه‌ها از معاون گروهان که در منطقه بود خواستند اجازه بدهد ولو برای دقایقی گروهان یکجا جمع شود و مراسم بگیریم. ایشان گفت باید از فرماندهی کسب تکلیف کند و نمی‌تواند خودش چنین اجازه‌ای به ما بدهد. با رایزنی‌هایی که صورت گرفت، قرار شد از خطی که حضور داشتیم چند کیلومتری عقب‌تر برویم و به قبرستانی که به نظرم اسمش باغ رضوان بود برویم و آنجا در اتاقکی جمع شویم و مراسم بگیریم. جانشین گروهان اعلام کرد توانسته است فقط به اندازه یک ربع برای ما وقت در نظر بگیرد و شرعاً ما باید در همان یک ربع مراسم بگیریم و بعد به سرعت متفرق شویم.

برنامه هم اینطور بود که روحانی باید سه رکعت نماز مغرب را می‌خواند و سپس بدون تعقیبات و حتی گفتن اذان و اقامه، می‌رفت سر وقت نماز عشا و بعد هم پنج دقیقه منبر و پنج دقیقه روضه و پنج دقیقه هم سینه‌زنی انجام می‌شد. طبق قرار کل گروهان در آن اتاقک جمع شدیم اما روحانی نفس نفس زنان آمد. متوجه شدیم موتورش بنزین تمام کرده و مجبور شده است آن را پیاده دنبال خودش بکشاند. ایشان نماز مغرب را خواند و ما هم به او اقتدا کردیم. بعد بلند شد گفت اجازه بدهید که یک مسئله شرعی را بگویم. ما اعتراض کردیم که وقت نداریم و نماز عشا را شروع کنید. گفت نه فقط یک جمله. بعد گفت کسی که شک داشته باشد وضو دارد یا نه حکمش چیست؟ تازه فهمیدیم که ایشان به خاطر تمام شدن بنزین موتور و شرایطی که داشته یادش رفته است وضو بگیرد. یکی از بچه‌ها در قمقمه‌اش آب داشت. داد و ایشان وضو گرفت و مجدداً نماز مغرب را خواندیم و بعد از نماز عشا طبق قرار ۱۵ دقیقه عزاداری کردیم، اما چه عزاداری که هرچند زمان کمی داشت اما کیفیتش فوق‌العاده بالا بود و ۱۵ دقیقه‌ای ما را از فرش به عرش رساند.

تأثیر فرهنگ عاشورا در جبهه‌های جنگ تحمیلی در گفت‌وگوی «جوان» با یک راوی دفاع مقدس

اصحاب عاشورایی امام خمینی حماسه کربلا را تکرار کردند

علیرضا محمدی

دفاع مقدس ریشه در باورهای عاشورایی ملت ایران داشت. رزمنده‌ای که اسلحه به دست می‌گرفت و قدم در میدان جهاد می‌گذاشت، رزم خود را در تداوم کربلای حسینی می‌دید و سعی می‌کرد شبیه‌ترین افراد به اصحاب عاشورایی امام حسین(ع) باشد. از همین روست که از نام واحدهای نظامی همانند تیپ‌ها و لشکرها گرفته تا نام عملیات مختلف، از اسامی مقدس و عاشورایی استفاده شد و نمادهای مذهبی در جای جای جبهه‌ها دیده می‌شدند. محرم در جبهه و تأثیر مادی و معنوی آن روی رزمنده‌ها، موضوع گفت‌وگوی ما با عبدالمحمود محمودی از رزمندگان و راویان دفاع مقدس است.

نماز ظهر عاشورا با مکبری حاج حسین خرازی

شهید آوینی جمله‌ای دارد به این مضمون که «ما را اگر می‌خواهی بشناسی داستان کربلا را بخوان» این «ما» همان رزمندگان دفاع مقدس هستند. تعریف شما از این جمله چیست؟

شک نکنید آن چیزی که شاکله و شالوده دفاع مقدس را تشکیل می‌داد فرهنگ عاشورایی بود و آن چیزی که ما را در این آوردگاه تاریخی به پیروزی رساند تأسی به همین فرهنگ بود. اصلاً انقلاب ما در تداوم عاشورا بود و آنطور که باور داریم، انقلاب اسلامی ایران ریشه در عاشورای سال ۶۱ هجری دارد و باید پرچم آن به صاحب اصلی‌اش که حضرت ولی عصر(عج) است، تحویل داده شود. به همین دلیل است که می‌بینیم در طول دفاع مقدس، باورهای عاشورایی خودش را به اشکال مختلف نشان می‌دهد. مثل نام لشکرها یا گردان‌ها یا همین موسیقی (مداحی) که در آن دوران باب بود همه رنگ و بوی عاشورایی دارد. من یادم است وقتی از پادگان ۱۵ خرداد اصفهان به جبهه اعزام می‌شدیم، یکی از بچه‌ها شروع کرد نوحه «کربلا کربلا ما داریم می‌آییم» را با صدای بلند خواند و باقی بچه‌ها همراهی‌اش کردند. این نوحه یک شعار بود که خیلی حرف‌ها در خودش داشت. معتقد بودیم راه ما به کربلا ختم می‌شود و می‌رویم که در یک رزم عاشورایی، به فرمان حسین زمان که حضرت امام بود در برابر یزدی‌های زمان که صدام و حامیانش بودند، حاضر شویم و در جنگ حق و باطل شرکت کنیم.

اشاره خوبی به نام واحدهای نظامی در جبهه‌ها کردید، فرهنگ عاشورا خودش را در قالب همین نام‌ها در جبهه‌ها نشان می‌داد. نمونه بارزش لشکر شما اصفهانی‌ها که لشکر امام حسین(ع) نام داشت.

بله، همین طور است. ببینید سه تیپ اولیه‌ای که سپاه تشکل داد تیپ امام حسین(ع)، تیپ کربلا و تیپ عاشورا بود. (بعد هم که تیپ نجف تشکیل شد) این سه تیپ اولیه هر سه نامشان را از سیدالشهدا(ع) و عاشورا و کربلا گرفته‌اند. این نامگذاری همه چیز را بیان می‌کند. دیگر یگان‌ها هم در میان اسامی مقدس ائمه و معصومین و دیگر باورهای دینی و مذهبی، همچنان از اسامی رایج در فرهنگ عاشورا بهره‌ها می‌بردند. از نام عملیات کربلای یک تا ۱۰ گرفته تا شعارهایی که در سطح جبهه مطرح می‌شد، یا حتی کد و رمز بیسیم‌ها، رمز عملیات‌ها و... همگی دلدادگی رزمندگان به فرهنگ عاشورایی را نشان می‌داد. موضوعی را اینجا مطرح کنم. در اولین ماه‌های دفاع مقدس، چون تفکر لیبرالی از سوی بنی‌صدر سعی می‌کرد باورهای خود را به جبهه‌ها منتقل کند، می‌بینیم که هنوز فرهنگ عاشورایی نتوانسته خودش را در قالب نام‌ها و نشانه‌ها در سطح جبهه‌ها مطرح کند، اما بعد از رفتن بنی‌صدر و وقتی اداره جنگ به دست خود مردم افتاد، این مردم می‌آیند فرهنگی را که در آن رشد کرده و بزرگ شده‌اند به سطح جبهه‌ها می‌کشانند. از همان نامگذاری تیپ‌ها گرفته تا نام عملیات‌ها، شعارها، مداحی‌ها و... بنابراین اصل تأسی جبهه‌ها به فرهنگ عاشورایی ریشه در باور همان مردم و رزمندگانی دارد که بازیگر اصلی جبهه‌ها هستند و طبق باورهای خود اسلحه به دست می‌گیرند و رنگ و روی جنگ را به همان شکلی درمی‌آورند که در آموزه‌های دینی و مذهبی‌شان آموخته‌اند. از همین جاست که داستان کربلا بارها توسط اصحاب عاشورایی امام خمینی در جبهه‌ها تکرار می‌شود.

وقتی به تاریخ انقلاب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم هیئت‌های مذهبی در روند پیروزی انقلاب تأثیر بسزایی داشتند. مردم پای همین منبرها بیشتر در جریان نهضت حضرت امام قرار می‌گرفتند. هیئت‌های مذهبی چنین نقشی را در دفاع مقدس هم ایفا کردند؟

نکته جالبی را به شما بگویم. در لشکر امام حسین(ع) هر گردانی یک هیئت داشت. حتی گردان بهداری لشکر هم برای خودش یک هیئت داشت و عزاداری آقا امام حسین(ع) و دیگر مناسبت‌های خاص را در همین هیئت‌ها برگزار می‌کردند. مثلاً گردان یازهرا(س) هیئت پرشوری داشت، این هیئت را تا بعد از دفاع مقدس و همین الان هم ادامه دادند و اکنون هیئت گردان یا زهرا(س) با نام هیئت رزمندگان اسلام به کار خودش ادامه می‌دهد، یعنی شالوده هیئت رزمندگان که بعد از جنگ ایجاد شد، هیئت گردان یازهرا(س) در دفاع مقدس بود. حالا موضوع را از همان جایی که شما اشاره کردید بررسی کنیم؛ در تاریخ انقلاب می‌بینیم که حزب مؤتلفه اسلامی از ائتلاف هیئت‌های مذهبی تشکیل می‌شود. در دیگر مسائل و موضوعات نیز این هیئت‌ها هستند که پایگاه اصلی انقلاب می‌شوند و پای منبر آنها روشنگری‌ها رخ می‌دهد. مردم ساماندهی و وارد عرصه مبارزه می‌شوند. همین روند بعد از پیروزی انقلاب و شروع جنگ تحمیلی ادامه می‌یابد. خاستگاه بسیج از کجا بود؟ در مساجد و هیئت‌های مذهبی است که اولین پایگاه‌ها تشکیل می‌شود و به همین ترتیب خط سرخی که در جبهه‌ها شکل می‌گیرد یک سرش در مساجد و تکایاست و باورهای عاشورایی که مردم را پای کار انقلاب و جنگ می‌کشاند.

> وقتی از پادگان ۱۵ خرداد اصفهان به جبهه اعزام می‌شدیم، یکی از بچه‌ها شروع کرد نوحه «کربلا کربلا ما داریم می‌آییم» را با صدای بلند خواند و باقی بچه‌ها همراهی‌اش کردند. این نوحه یک شعار بود که خیلی حرف‌ها در خودش داشت

غیر از نمادهایی مثل شعارها و پرچم‌ها و نام عملیات و یگان‌ها و... در واکاوی خاطرات جنگ هم می‌بینیم که باورهای عاشورایی در بسیاری از حوادث مختلف خودش را نشان می‌دهد. اگر می‌شود یک مصداق بارز این رخدادها را بیان کنید.

روایتی بین بچه‌های رزمنده اصفهان مشهور است که مربوط به بعد از شهادت حاج حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع) می‌شود. بعد از شهادت حاج حسین، پیکر ایشان را به مسجد شهرک دارخوین می‌آورند تا بچه‌ها با ایشان خداحافظی کنند، شهید تورجی‌زاده را که مداح و فرمانده گردان یازهرا(س) بود می‌آورند بالای پیکر ایشان که مداحی و سخنرانی کند. ایشان در همان مراسم که فیلمش هم موجود است می‌گوید: یک بار عصر پنج‌شنبه‌ای بود که حاج حسین من را از پشت بیسیم خواند (حالا این عنوان عینش اینطور می‌شود که حاج حسین آقا دلش گیر کرده یا کار در جایی گیر کرده و خواسته

> در لشکر امام حسین(ع) هر گردانی یک هیئت داشت. حتی گردان بهداری لشکر هم برای خودش یک هیئت داشت و عزاداری آقا امام حسین(ع) و دیگر مناسبت‌های خاص را در همین هیئت‌ها برگزار می‌کردند. هیئت گردان یازهرا(س) بسیار پر شور بود

که تورجی‌زاده برایش روضه بخواند) شهید تورجی‌زاده در ادامه می‌گوید: من فقط دو بیت خواندم که از پشت بیسیم گفتند دیگر نخوان! همین دو بیت کار خودش را کرده است. گفتم من فقط دو بیت خواندم و تازه می‌خواستم به اصل روضه‌ام ورود کنم، ولی آن طرف گفتند همین دو بیت اشک حاج حسین را درآورده و ما نمی‌خواهیم بچه‌ها در چنین موقعیتی گریه فرمانده لشکر را ببینند. نظیر همین اتفاق را من در جبهه کردستان (بعد از پایان جنگ تحمیلی کردستان همچنان درگیر ضد انقلاب بود) شاهد بودم. آنجا از پشت بیسیم اعلام کردند یکی از فرماندهان گردان از مداحی که در مقر ما بود درخواست کرده است برایش مداحی کند. ایشان گفته بود اگر می‌شود از طریق همان بیسیم فقط یک بیت روضه برایش خوانده شود. مداح هم حرفش را گوش کرد و فقط یک بیت خواند: «مادر آب کجایی که پسرت آب نخورد/ پدر خاک کجایی که پسرت خاک نشد» توسل به آقا امام حسین و تأسی به فرهنگ عاشورایی را در جای جای جبهه‌ها و در خاطرات بسیاری از رزمنده‌ها می‌بینیم. یادم است یک جایی پرچم برای راه‌اندازی هیئت نداشتیم، یکی از بچه‌ها چفیه‌اش را روی چوبی گذاشت و به عنوان پرچم از آن استفاده کرد و بعد کم کم باقی بچه‌ها جمع شدند و عزاداری پرشوری راه افتاد.

در صحبت‌هایتان اشاره‌ای به ارادت حاج حسین خرازی به روضه خوانی مداحان کردید، نقش فرماندهان در برگزاری مراسم عزاداری محرم در فضای جبهه‌ها چه بود؟

از خود شهید حاج حسین خرازی شروع کنم که یکی از متولیان اصلی برگزاری مراسم ماه محرم در مقرهای عقبه لشکر بود. چون می‌دانید که بچه‌های خط مقدم به واسطه خطرات موجود در آنجا نمی‌توانستند به صورت گروهی مراسم برگزار کنند، مراسم عزاداری بیشتر در عقبه‌ها برگزار می‌شد. از شهید خرازی روایت می‌شود که در مراسم ماه محرم مثل یک متولی یا حتی خادم‌الحسین نقش‌آفرینی می‌کرد. جالب است بدانید ایشان در دوران نوجوانی در مساجد تکبیر می‌گفت. یک بار در نماز جماعتی که قبل یا بعد از مراسم عزاداری برگزار شده بود، خودش بلندگو را به دست می‌گیرد و مکبری می‌کند. غیر از ایشان، دیگر فرماندهان هم خودشان متولی برگزاری مراسم می‌شدند. اینطور هم نبود که بالای مجلس بنشینند، من شاهد بودم که فرمانده گردانمان دم در مراسم ماه محرم می‌ایستاد و مثل یک خادم‌الحسین(ع) به رزمنده‌هایی که وارد هیئت می‌شدند خوشامد و تهنیت می‌گفت. فرماندهان در دفاع مقدس الگوی رزمنده‌ها بودند و این الگو را در مراسم ماه محرم به بهترین شکل ایفا می‌کردند.

تصویری از تعزیه در جبهه

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۴۴

جدول

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۲					۳		
	۸					۵		
			۲	۷	۴			
		۵						۱
		۱		۲	۷			۶
	۴							
۹		۷			۳	۶	۲	
			۴		۶			
۵							۹	

۸	۶	۷	۸	۱	۸	۸	۶	۹
۹	۸	۱	۶	۶	۸	۷	۸	۸
۸	۸	۶	۸	۷	۹	۸	۱	۶
۶	۸	۸	۷	۹	۱	۸	۸	۶
۶	۹	۸	۸	۸	۸	۱	۶	۷
۸	۹	۸	۸	۸	۸	۹	۸	۸
۱	۷	۸	۶	۸	۶	۸	۸	۸
۷	۶	۶	۸	۸	۸	۸	۹	۱
۸	۷	۶	۸	۶	۸	۸	۸	۸

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۵۴۳

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ح	ر	ا	ب	■	ت	ا	ر	ی	ی	خ	ق	م	ر	ی
۲	س	ا	ر	ب	ا	ن	■	ن	ش	ا	ط	■	و	■	■	ا
۳	چ	ی	■	ی	ر	ا	ق	■	د	خ	ا	ن	■	ف	ر	
۴	■	د	ر	س	■	م	ل	ا	چ	■	ت	ب	■	م	چ	د
۵	چ	ی	■	ش	■	ه	ر	ا	س	■	ه	س	■	ا	ر	■
۶	م	■	م	ش	م	س	■	چ	ر	■	ه	ش	ر	م	■	س
۷	ک	ا	م	ر	و	ا	■	ی	■	ن	ا	ب	■	ک	ک	ل
۸	■	ر	د	ه	■	ا	م	ا	م	ح	ن	س	■	ن	ی	م
۹	ا	■	ه	ب	ر	ن	■	ب	ا	ت	■	ا	س	غ	ف	ا
۱۰	ن	■	ر	ا	ی	■	ک	ا	ت	■	ی	ا	ل	■	■	ن
۱۱	■	ق	و	ل	■	م	م	ف	ی	س	■	چ	■	م	ا	س
۱۲	م	و	ز	■	د	ن	■	ی	م	ا	م	■	ر	س	م	ا
۱۳	ک	چ	■	ه	ا	و	ن	■	م	ر	و	ر	■	■	ت	و
۱۴	■	ب	ی	■	ر	ا	ک	ت	■	ک	م	ب	ر	ی	چ	
۱۵	ر	ا	د	ی	و	ل	و	ژ	ی	■	ن	ا	ت	ن	ی	

از راست به چپ

■ ۱- نماز یک رکعتی- به فرموده پیامبر اسلام(ص) این امام معصوم پسر امام، برادر امام و پدر نه امام بود- بند دست ■ ۲- خدای تجارت یونان باستان- مادر امام محمدتقی (ع)- پرتگاه کوهستانی ■ ۳- فرکانس امواج- راننده- ورزش مرتاضان ■ ۴- طمأنینه- عدد منفی- سخت‌سر امروزی ■ ۵- تلخ- کارگاه بافندگی- حیوان مسابقه‌ای- حبس طویل‌المدت ■ ۶- حرف فقدان- ساکنان قاره زرد- مهریه حضرت زهرا(س)- وتر کمان ■ ۷- صد آذری- محکم- علمدار دشت کربلا ■ ۸- تنگه- حرص و طمع- قلب دوم- شنوا ■ ۹- دریاچه‌ای در سوئیس- قهوه‌ای روشن- شهری در سوریه ■ ۱۰- تکرار حرفی- فرمان اتومبیل- ورزش کشتی خراسان- جدید ■ ۱۱- محبت- جادو- ناشنوا- تصدیق انگلیسی ■ ۱۲- لطافت- مخفف هستم- مهلت دادن ■ ۱۳- محله‌ای در شمال تهران- افزایش غیرمعقول قیمت‌ها- زاهد ■ ۱۴- بدان و آگاه باش- قافله- نیرو ■ ۱۵- رودی در فرانسه- فرزند زیاد که یزید سر کوب قیام امام حسین(ع) را به او سپرد- متاع، کالا

از بالا به پایین

■ ۱- از شهدای کربلا- دریادل کربلا که خود را آماج تیرهای دشمن قرار داد تا مولایش به نماز عشق ایستاد ■ ۲- مسیحی- بند اسارت- از جنگ‌های امام علی(ع) ■ ۳- پشت سر هم- پدر سام- رودی در آلمان و شهری در کرمان ■ ۴- شهر محل ولادت قائم آل محمد- سی و نهمین سوره- تکنیک ■ ۵- نفس- چاشنی غذا- زمان بی آغاز- درون دهان ■ ۶- مغز انسان- پیچیده در گوش زمان فریادتان- زبان مردم تایلند ■ ۷- زمین آماده برای کشت- شاعر دشتستانی- تخمین زدن ■ ۸- خیاط خانه- سلطه و نفوذ- بنده و شما- دعای خیر ■ ۹- مقابل آماتور- لباب- از بخشش کم نمی‌شود ■ ۱۰- نوعی پرنده- دهم ماه محرم- برج کج ■ ۱۱- پول ژاپن- مادر حضرت علی اصغر علیه السلام- آب منجمد- نقشه فرنگی ■ ۱۲- حرف انتخاب- اتوبوس فرنگی- ... منالذله ■ ۱۳- مجلس قانونگذاری روسیه- جوانمرد و بخشنده- سلف سیمان ■ ۱۴- نام دیگر بیماری وبا- کشور مظلوم شبه جزیره عربستان- زبان ■ ۱۵- پیامبر گرامی اسلام و حضرت فاطمه و امامان- از نام‌های انسان در قرآن

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱				■									■		
۲					■							■			
۳						■					■				
۴	■						■			■					
۵				■				■			■		■		
۶					■					■				■	
۷				■					■						
۸					■			■			■				
۹						■						■			
۱۰			■				■						■		
۱۱		■						■			■				
۱۲	■					■				■					
۱۳					■					■					
۱۴							■				■				
۱۵												■			